

معجزه تربیت (۳)

تربیت فطری

(روش‌ها و رویش‌های

جدید تربیت)

علی الهامی صدر

زهرا الهامی صدر

معجزه تربیت (۳)

تربیت فطری

روش‌ها و رویش‌های جدید تربیت

نویسنده‌گان: علی الهامی صدر - زهرا الهامی صدر

صفحه‌آرا: علی عبادی فرد

طراح جلد: ناصر ابراهیمی

ناشر: انتشارات میراث ماندگار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۱۲۶-۰

سال انتشار: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

مرکز پخش: ۰۹۳۳۲۲۰۸۶۷۰ - ۰۹۲۰۹۱۹۶۲۲۵

کلیه حقوق برای مولف محفوظ است.

سرشناسه:

الهامی صدر. علی ۱۳۵۴. الهامی صدر. زهرا ۱۳۶۲

عنوان: معجزه تربیت ۳ - تربیت فطری - روش ها و رویش های جدید تربیت

نام پدیدآور: علی الهامی صدر - زهرا الهامی صدر

مشخصات نشر: قم. انتشارات میراث ماندگار ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص. رقی

شابک: ۰-۱۳۶-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

یادداشت: کتابنامه

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان دیگر: تربیت فطری. روش ها و رویش های جدید تربیت

موضوع: کودکان - سرپرستی - جنبه های قرآنی

موضوع: child rearing - quranik teaching

موضوع: تربیت خانوادگی - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: Demostic education. Religious aspects. Islam

موضوع: تربیت خانوادگی - جنبه های قرآنی

موضوع: Demostic education - Quranic teaching

رده بندی کنگره: BP ۱۵۳/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۱۵۲۹۴۹

اطلاعات رکورد کتاب شناسی: فیپا

فهرست مطالب

۱۵	معرفی
۱۷	مسافر کوچولو
۲۱	مناجات نامه
۲۷	مقدمه
۳۳	پیشگفتار
۳۴	ترجمه روان نامه ۳۱ نهج البلاغه
۴۱	روش اول: روش تربیتی رحمانیت
۴۳	معنای لغوی
۴۴	روش رحمانیت در اصطلاح تربیت
۴۵	نگاه و نگرش غلط
۴۷	برخورد تربیتی مثبت
۴۸	نگاه و نگرش درست
۵۰	سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
۵۱	سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
۵۲	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
۵۲	آداب گفتاری - رفتاری در روش رحمانیت
۵۳	رابطه روش رحمانیت با رشد همه جانبه و صد درصدی

- ۵۴.....پرسش و پاسخ والدین از روش رحمانیت.....
- ۵۵.....انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش رحمانیت.....
- ۵۷..... روش دوم: روش تربیتی رحیمیت.....**
- ۵۹.....معنای لغوی.....
- ۵۹.....روش رحیمیت در اصطلاح تربیت.....
- ۶۰.....نگاه و نگرش غلط.....
- ۶۳.....برخورد تربیتی مثبت.....
- ۶۴.....نگاه و نگرش درست.....
- ۶۸.....سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن.....
- ۶۹.....سیره و روش تربیتی معصومین در روایات.....
- ۷۱.....سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات.....
- ۷۱.....آداب گفتاری - رفتاری در روش رحیمیت.....
- ۷۸.....رابطه رحیمیت با آرامش باطنی.....
- ۷۸.....پرسش و پاسخ والدین از روش رحیمیت.....
- ۷۹.....انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش رحیمیت.....
- ۸۱..... روش سوم: روش تربیتی شفقت.....**
- ۸۳.....معنای لغوی.....
- ۸۳.....روش شفقت در اصطلاح تربیت.....
- ۸۵.....فرق بین رحیمیت و شفقت.....
- ۸۵.....نگاه و نگرش غلط.....
- ۸۸.....برخورد تربیتی مثبت.....
- ۹۰.....نگاه و نگرش درست.....
- ۹۲.....سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن.....
- ۹۲.....سیره و روش تربیتی معصومین در روایات.....
- ۹۳.....سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات.....
- ۹۴.....آداب گفتاری - رفتاری در روش شفقت و دلسوزی.....
- ۹۸.....رابطه شفقت و دلسوزی با انگیزه و اراده.....

۹۸	آسیب‌های دلسوزی بیش از حد
۱۰۱	پرسش و پاسخ والدین از روش شفقت
۱۰۱	انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش شفقت
۱۰۳	روش چهارم: روش تربیتی استغاثه
۱۰۵	معنای لغوی
۱۰۵	روش استغاثه در اصطلاح تربیت
۱۰۶	نگاه و نگرش غلط
۱۰۹	برخورد تربیتی مثبت
۱۱۰	نگاه و نگرش درست
۱۱۳	سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
۱۱۳	سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
۱۱۴	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
۱۱۴	آداب گفتاری - رفتاری در روش استغاثه
	رابطه استغاثه با نجات انسان از ناامیدی، عقده‌ها، کینه‌ها، بی‌ارزشی‌ها، تنهایی و بی‌پناهی
۱۱۷	
۱۱۷	پرسش و پاسخ والدین از روش استغاثه
۱۱۸	انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش استغاثه
۱۱۹	روش پنجم: روش تربیتی شفاعت
۱۲۱	معنای لغوی
۱۲۲	روش شفاعت در اصطلاح تربیت
۱۲۳	نگاه و نگرش غلط
۱۲۴	برخورد تربیتی مثبت
۱۲۶	نگاه و نگرش درست
۱۲۹	سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
۱۳۰	سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
۱۳۰	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
۱۳۰	آداب گفتاری - رفتاری در روش شفاعت

- ۱۳۲..... فواید شفاعت در تربیت
- ۱۳۳..... پرسش و پاسخ والدین از روش شفاعت
- ۱۳۴..... انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش شفاعت
- ۱۳۵..... روش ششم: روش تربیتی رأفت**
- ۱۳۷..... معنای لغوی
- ۱۳۸..... روش رأفت در اصطلاح تربیت
- ۱۳۹..... نگاه و نگرش غلط
- ۱۴۱..... نگاه و نگرش درست
- ۱۴۳..... سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
- ۱۴۴..... سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
- ۱۴۶..... سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
- ۱۴۶..... آداب گفتاری - رفتاری در روش رأفت
- ۱۴۶..... ۱. مهربانی در قالب خوش رویی
- ۱۴۷..... ۲. مهربانی در قالب خوش‌زبانی
- ۱۵۰..... ۳. مهربانی در قالب خوش‌رفتاری
- ۱۵۱..... رابطه رأفت با معرفت و درک بالا و توجه عمیق
- ۱۵۱..... پرسش و پاسخ والدین از روش رأفت
- ۱۵۲..... انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش رأفت
- ۱۵۳..... روش هفتم: روش تربیتی عفو**
- ۱۵۵..... معنای لغوی
- ۱۵۵..... روش عفو در اصطلاح تربیت
- ۱۵۶..... نگاه و نگرش غلط
- ۱۵۸..... برخورد تربیتی مثبت
- ۱۶۰..... نگاه و نگرش درست
- ۱۶۳..... سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
- ۱۶۴..... سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
- ۱۶۶..... سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات

۱۶۶	آداب گفتاری - رفتاری در روش عفو.....
۱۷۰	رابطه عفو با محبت و مودت.....
۱۷۱	پرسش و پاسخ والدین از روش عفو.....
۱۷۲	انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش عفو.....
۱۷۳	روش هشتم: روش تربیتی مغفرت.....
۱۷۵	معنای لغوی.....
۱۷۵	روش مغفرت در اصطلاح تربیت.....
۱۷۶	نگاه و نگرش غلط.....
۱۷۸	برخورد تربیتی مثبت.....
۱۷۹	نگاه و نگرش درست.....
۱۸۱	سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن.....
۱۸۲	سیره و روش تربیتی معصومین در روایات.....
۱۸۳	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات.....
۱۸۳	آداب گفتاری - رفتاری در روش مغفرت.....
۱۸۵	رابطه مغفرت با اصلاح.....
۱۸۶	پرسش و پاسخ والدین از روش مغفرت.....
۱۸۷	انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش مغفرت.....
۱۸۹	روش نهم: روش تربیتی توابیت.....
۱۹۱	معنای لغوی.....
۱۹۱	روش تَوَاب در اصطلاح تربیت.....
۱۹۲	نگاه و نگرش غلط.....
۱۹۵	برخورد تربیتی مثبت.....
۱۹۷	نگاه و نگرش درست.....
۱۹۹	سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن.....
۲۰۰	سیره و روش تربیتی معصومین در روایات.....
۲۰۱	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات.....
۲۰۱	آداب گفتاری - رفتاری در روش توابیت.....

- ۲۰۲ رابطه ثواب با امید و تکاپو برای خوب شدن
- ۲۰۵ پرسش و پاسخ والدین از روش ثواب
- ۲۰۶ انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش ثواب

روش دهم: روش تربیتی تکریم ۲۰۷

- ۲۰۹ معنای لغوی
- ۲۱۰ روش تکریم در اصطلاح تربیت
- ۲۱۱ نگاه و نگرش غلط
- ۲۱۴ برخورد تربیتی مثبت
- ۲۱۵ نگاه و نگرش درست
- ۲۱۷ سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
- ۲۱۹ سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
- ۲۲۱ سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
- ۲۲۱ آداب گفتاری - رفتاری در روش تکریم
- ۲۲۴ رابطه تکریم شخصیت با شخصیت ممتاز و ویژه شدن فرزند
- ۲۲۵ نمونه‌های رفتاری تکریم به فرزند
- ۲۲۸ نتایج تکریم شخصیت و احترام به کودکان
- ۲۲۸ نتایج تحقیر شخصیت
- ۲۲۹ پرسش و پاسخ والدین از روش تکریم
- ۲۲۹ انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش تکریم

روش یازدهم: روش تربیتی امتنان ۲۳۱

- ۲۳۳ معنای لغوی
- ۲۳۴ روش امتنان در اصطلاح تربیت
- ۲۳۵ نگاه و نگرش غلط
- ۲۳۶ برخورد تربیتی مثبت
- ۲۳۷ نگاه و نگرش درست
- ۲۳۹ سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
- ۲۴۰ سیره و روش تربیتی معصومین در روایات

۲۴۱	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
۲۴۱	آداب گفتاری - رفتاری در روش امتنان
۲۴۱	فضل و بخشش مالی
۲۴۲	بخشش از اشتباهات و خطاهای فرزند
۲۴۳	فضل و بخشش در مقام کمک و یاری کردن
۲۴۳	رابطه امتنان و فضل و احسان با مودت و عشق عملی و واقعی
۲۴۴	پرسش و پاسخ والدین از روش امتنان
۲۴۵	انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش امتنان
۲۴۷	روش دوازدهم: روش تربیتی شرافت
۲۴۹	معنای لغوی
۲۴۹	روش شرافت در اصطلاح تربیت
۲۵۰	نگاه و نگرش غلط
۲۵۱	برخورد تربیتی مثبت
۲۵۲	نگاه و نگرش درست
۲۵۳	سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن
۲۵۴	سیره و روش تربیتی معصومین در روایات
۲۵۶	سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات
۲۵۶	آداب گفتاری - رفتاری در روش شرافت
۲۵۶	شرافت در افکار
۲۵۷	شرافت در رفتار
۲۵۸	شرافت در هیجانات
۲۵۹	رابطه روش شرافت با عادت و تلقین
۲۶۰	پرسش و پاسخ والدین از روش شرافت
۲۶۱	انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش شرافت
۲۶۳	روش سیزدهم: روش تربیتی لطافت
۲۶۵	معنای لغوی
۲۶۵	روش لطافت در اصطلاح تربیت

نگاه و نگرش غلط	۲۶۷
نگاه و نگرش درست	۲۷۰
سیره و روش تربیتی خداوند در قرآن.....	۲۷۱
سیره و روش تربیتی معصومین در روایات	۲۷۳
سیره و روش تربیتی در دعا و مناجات.....	۲۷۴
آداب گفتاری - رفتاری در روش لطافت.....	۲۷۴
رابطه لطافت با عقل و احساس	۲۷۶
پرسش و پاسخ والدین از روش لطافت	۲۷۷
انگیزه‌های ایجاد شده در فرزند توسط روش لطافت.....	۲۷۸
منابع و مآخذ	۲۷۹



«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ، وَزِدْ بَارِكْ؛ بار خدایا! رحمت‌های بی‌پای فرست و درودهای خجسته خویش را ارزانی دار.

علی صاحبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ؛ بر امام بزرگوارى که صاحب دعوت محمّدى است.
وَ الصَّوْلَةَ الْحَيْدَرِيَّةَ؛ و صولت حیدرى وَالْعَصْمَةَ الْفَاطِمِيَّةَ؛ و عصمت فاطمى
و الْحِلْمَ الْحَسَنِيَّةَ؛ و حلم حسنى وَالشَّجَاعَةَ الْحُسَيْنِيَّةَ؛ و شجاعت حسینى
و الْعِبَادَةَ السَّجَّادِيَّةَ؛ و عبادت سجّادى وَالْمَأْتِرَ الْبَاقِرِيَّةَ؛ و مفاخر باقرى
و الْآثَارَ الْجَعْفَرِيَّةَ؛ و آثار جعفرى وَالْعُلُومَ الْكَاطِمِيَّةَ؛ و علوم کاظمى
و الْحُجَجَ الرَّضَوِيَّةَ؛ و حجج رضوى وَالْجُودَ التَّقْوِيَّةَ؛ و جود تقوى
و النَّقَاوَةَ التَّقْوِيَّةَ؛ و نقاوت نقوى وَالْهَيْبَةَ الْعَسْكَرِيَّةَ؛ و هیبت عسکرى
و الْغَيْبَةَ الْإِلَهِيَّةَ؛ و غیبت الهى.

القائم بِالْحَقِّ، و الدَّاعِى إِلَى الصِّدْقِ الْمُطْلَقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ، و أَمَانِ اللَّهِ، و حُجَّةِ اللَّهِ،
القائم بِأَمْرِ اللَّهِ، الْمُقْسِطِ لِدِينِ اللَّهِ، الْغَالِبِ لِأَمْرِ اللَّهِ، و الذَّابِّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ، إِمَامِ السِّرِّ
و الْعَلَنِ، دَافِعِ الْكُرْبِ و الْمَحْنِ، صَاحِبِ الْجُودِ و الْمَنِّ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ، أَبِي الْقَاسِمِ
مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، صَاحِبِ الْعَصْرِ و الزَّمَانِ، و قَاطِعِ الْبُرْهَانِ، و خَلِيفَةِ الرَّحْمَانِ، و
شَرِيكِ الْقُرْآنِ، و مُظْهِرِ الْإِيمَانِ، و سَيِّدِ الْإِنْسِ و الْجَانِّ، صَلَوَاتِ اللَّهِ و سَلَامُهُ عَلَيْهِ و
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

آن قائم به حق و درفش افراز صدق مطلق، کلمه خدایی و امان الهی و حجت ربّانی، برپا دارنده امر خدای و گسترنده آیین عدل خدای و پیروزگرداننده حکم خدای و پاسدارنده ناموس خدای، امام آشکارا و نهان، برطرف‌کننده گرفتاری‌ها و اندوهان، صاحب جود و بخشش و احسان، امام بر حق، ابوالقاسم محمد بن الحسن، صاحب عصر و زمان، روشن‌کننده حق و برهان، خلیفه خدای رحمان، عدل و انبیا، قرآن، آشکارساز مظاهر ایمان و مهتر آدمیان و پریان. رحمت‌ها و درودهای خدایی بر او باد و بر همه نیکان پاک او»

بعد از سلام و صلوات تقدیم می‌کنیم ثواب آن را به چهارده نور واحد، مظهر اسماء و صفات الهی و همه انبیاء و اوصیاء و اولیاء الهی و صدیقین و شهداء و علماء و صلحاء و مؤمنین و مؤمنات.

معرفی

کتاب حاضر بعد از تحقیقات گسترده در زمینه علوم تربیتی خصوصاً تربیت فرزند جهت نقد و بررسی و اظهار نظر به محضر حضرت آیت الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه و جمعی از محققان و پژوهشگران علوم تربیتی در حوزه و دانشگاه که صاحب نظر و متخصص در امور تربیت اسلامی و دارای تالیفات بسیار ارزشمند و گران سنگ در این زمینه بودند رسید تا کتاب به دیده نقد کشیده و عیار آن سنجیده و ناخالصی‌های آن جدا گردد و در نهایت در برگیرنده تقریظ درآید تا خانواده‌ها با خیال آسوده و راحت در مسیر تربیت قدم بردارند و مبانی و اصول و روش‌های تربیتی را به کار بندند.

بسم الله الرحمن الرحيم

اثر حاضر، که با خامه فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای علی الهامی (دام توفیقه) فراهم آمده است، افزون بر رویکرد تخصصی مناسب، مخاطبان عام را هدف قرار داده است و می‌تواند با شیوه و قلم و ساختار جذاب خود گفتمان سازی تربیتی ارزشمندی را رقم زند. مباحث تربیتی در روزگار ما بسیار مهم و مورد نیاز و در همین حال مقوله‌ای سهل و ممتنع است و جای کار

بسیار گسترده و ژرف وجود دارد. ان شاء الله این اثر گامی به پیش در این میدان باشد و به تدریج اصلاح و تکمیل گردد. صمیمانه از مؤلف محترم سپاسگزارم.

اعرافی

مدیر حوزه‌های علمیه

۱۴۰۱/۱۱/۲۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اثر حاضر، که با ضامن ناصر لرحمده جناب حجة الاسلام والمسلمین
آقای علی ملاطی نام تزیینت فراموش است، افزون بر
دیگر تخصصی مناسب، مخاطبان عام را هدف قرار داده
است و می‌تواند با شیوه و قلم و سلیقه بنفاد بنفاد گفتار
سازی تربیتی درز شمنی را در قلم زند، باعث تربیتی در روزگار
ما بسیار مهم و مورد نیاز در همین حال سعادت‌های مهد و متنوع
است و جای کار بسیار گسترده در عرف و مورد دارد
و این در حالی است که این اثر گامی به پیش در این میدان باشد و به
تدریج اصلاح و تکمیل گردد. صمیمانه از مؤلف محترم سپاسگزارم
مدیر حوزه‌های علمیه

۱۴۰۱/۱۱/۲۳

مسافر کوچولو

همه چیز آماده شده بود. فرار بود مسافری از راه برسد. لباس هایش را از ماه قبل خریده بودند. اولین فرزند خانه متولد شد. اتاقش را تزئین کرده بودند و اسباب بازی های فراوان در کمد آرزوهایش چیده بودند. همه را خبردار کرده بودند چون امکان داشت هر لحظه مسافر کوچولو از راه برسد. پشت در بیمارستان شلوغ شده بود! خاله، دایی، مادربزرگ، پدربزرگ همه آمده بودند. غوغایی به پا شده بود صدای شور و شغف و شادی بیمارستان را پر کرده بود همه به یکدیگر می گفتند «متولد شد». اولین کسی که چشمش به نوزاد افتاد مادر بود. لبخندی زد و او را در آغوش گرفت. اطرافیان یکی یکی به ملاقاتش آمدند و با هیجان، او را نگاه می کردند و او را دست به دست چرخاندند تا به مادربزرگش رسید. صورت مادربزرگ برای نوزاد تازگی داشت. تا پدربزرگ او را دید لبخندی زد و صورت او را بوسید. نوزاد چشم هایش را بست و با خود می گفت این جا کجاست. هر چیزی را می دید با تعجب نگاه می کرد. روشنایی، چشمانش را اذیت می کرد گاه گاهی چشمانش را می بست و باز می کرد تا این که دوباره به آغوش گرم مادرش برگشت و مسافر کوچولو چشم از چشم مادرش بر نمی داشت تا این که مادرش او را بوسید و به او گفت: فدایت شوم چقدر زیبایی؟ مدت ها بود که منتظرت بودم و آرزوی

دیدنت را داشتیم. خوش آمدی به خانه ما. قدمت مبارک! با شنیدن این کلمات مسافر کوچولوی خانه ما گفت: این صدا آشناست او همان کسی است که ماه‌ها صدایش را می‌شنیدم اما او را نمی‌دیدم. چه اتفاق عجیبی! دو نفر که همدیگر را ندیده بودند به هم رسیده بودند و هر دو از دیدن هم تعجب می‌کردند. زندگی جدید آغاز شد و او از ظلمات به نور آمده بود و از تنهایی نجات یافته بود. اما حالا در جمعی فرار گرفته است که همه او را دوست دارند و با خنده‌های او می‌خندند و با گریه‌هایش همه نگران می‌شوند. در حال حاضر دل خوشی خانه شده است. هر روز یک عده‌ای می‌آیند و او را می‌بینند. صحنه عجیبی است تمام چشم‌ها به او دوخته شده است و زیر لب شنیده می‌شود که می‌گویند: «تبارک الله احسن الخالقین» از این همه زیبایی!

روزها یکی پس از دیگری می‌گذرد و عشق و محبتی است که بین مادر و فرزند رد و بدل می‌شود اما همچنان روز و شب و همه چیز برای نوزاد نامفهوم است و فقط او ناخودآگاه با گریه خواسته‌هایش را بیان می‌کند و مادر هم به خواسته‌هایش جواب می‌دهد و پدر هم هر روز از سرکار به امید دیدن نوزاد می‌آید و منتظر حرکت جدیدی از نوزاد است. یک روز برای خنده‌هایش، یک روز برای نوع نگاهش، یک روز برای تعجبش، یک روز برای چهار دست و پا کردنش، یک روز برای راه رفتنش، یک روز برای صدا کردنش تا این که شروع به حرف زدن می‌کند و درخواست‌های خودش را بیان می‌کند و همه اجابت می‌شود. خلاصه کار به جایی می‌رسد که احساس می‌کند هر چه بگوید همه به حرف‌هایش گوش می‌دهند. فهمیده است که محبوب خانه است و همه او را دوست دارند. آقایی می‌کند و دستور می‌دهد که فلان کار را کنید فلان کار را نکنید، من این را می‌خواهم و آن را نمی‌خواهم، من می‌گویم، من می‌خواهم، من دوست دارم و از این قبیل

صحبت‌ها و همه از آنجایی که او را دوست دارند به حرف‌هایش گوش می‌دهند. عجب پادشاهی‌ای دارد! هیچ‌کس جرئت مخالفت با او را ندارد! چند صبحی این‌گونه زندگی می‌کند که هر چه می‌گوید باید انجام شود تا این‌که اطرافیان از این نوع برخورد خسته می‌شوند و دیگر تحمل پادشاهی او را ندارند و حرمت پادشاهی او را نگه نمی‌دارند و به او اعتراض می‌کنند و در مقابل خواسته‌هایش می‌ایستند و کم‌کم از زیر فرمان او خارج می‌شوند او که باورش نمی‌شد که یک روزی به این جا برسد در تناقضی آشکار گیر کرده است. از یک طرف همه می‌گویند تو را دوست داریم و از طرف دیگر همه در مقابل خواسته‌هایش می‌ایستند و کار به جایی می‌رسد که پادشاه خانه را کم‌کم توییخ می‌کنند، سرزنش می‌کنند، تحقیر می‌کنند، تهدید می‌کنند و مسخره می‌کنند. آری این داستان پادشاهی است که چقدر زود پادشاهی‌اش را از دست می‌دهد آن هم توسط کسانی که ادعا می‌کردند از همه بیشتر او را دوست دارند و در این میان پادشاه خانه با خود می‌گوید نه آن تکریم دیروز، نه این تحقیر امروز، نه آن عشق و مودت دیروز و نه این دشمنی امروز، نه آن محبت شدید و نه این بغض پنهان، نه آن دلسوزی دیروز و نه این سنگدلی امروز، نه آن آزادی دیروز نه این محدودیت امروز، نه آن رحمت دیروز و نه این غضب امروز، و نه آن رفاقت دیروز و نه این غریبی امروز، چه اتفاقی افتاده است؟ آن کسی که این قدر محبوب بود امروز مورد بنص قرار گرفته است. پدر و مادر همان پدر و مادر هستند اما برخوردها عوض شده است. اگر شما به جای این فرزند می‌بودید چه حالتی به شما دست می‌داد که پادشاهی را که تا دیروز سید و آقای خانه بود امروز با او مثل یک برده زرخرد رفتار می‌کنند؟ آری این داستان، داستان همه انسان‌هایی است که در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که والدینشان از اصول و روش‌های تربیتی بهره‌ای نبرده‌اند و یا اگر هم بعضی از اصول و روش‌ها را می‌دانند اما حاضر نیستند به خاطر خوشحالی

فرزندشان به آن‌ها عمل کنند و الا هرگز حاضر نمی‌شدند کرامت و آقایی انسانی را که خداوند اراده کرده است و راتا مقام خلیفة اللہی خود پیش ببرد به این زودی شخصیت او را زیر سؤال ببرند و با این‌گونه برخوردها او را تحقیر و کوچک کنند تا جایی که فرزند انسان آرزو می‌کند ای کاش در این خانواده متولد نمی‌شدم که این قدر مرا سرزنش و توهین و تحقیر کنند. ای کاش قسمت من این نمی‌شد.

مناجات‌نامه

ای آقای من! از آن روزی که فهمیدم تو اولین مربی من هستی به خودم بالیدم و اشک شوق به نشانه‌ی خوشحالی بر گونه‌هایم جاری شد و به شکرانه‌اش هر روز سجده شکر مخصوصی بجا آوردم. سجده‌ای برای بزرگترین نعمت. آری چه نعمتی از این بالاتر، کسی که دارای خلق عظیم و اسماء و صفات عالی ست مراتبیت کند. من چگونه شکر این نعمت را به جای آورم که وقتی به رحمانیتت می‌نگرم حریص می‌شوم و همه نعمت‌ها را از تو می‌خواهم (روش رحمانیت) و زمانی که به رحیمیت چشم می‌دوزم به نفس اماره می‌گویم که نگران مباش همیشه کسی هست که تو را ببخشد (روش رحیمیت). آری آنقدر چتر ستاریت بزرگ است که کسی عیب‌های مرا نخواهد دید (روش ستاریت). من همیشه از ته دل باور نداشتم که تو می‌گذری چرا که تجربه کرده‌ام که از هزاران خطایم گذشتی و اگر روزی هم بخواهی مرا مجازات کنی باز هم امید دارم که ببخشی چرا که تو عین امیدی و تو را جز امید چیزی نمی‌بینم (روش عفو).

ای مولای من! من که می‌دانم همه عذرهایم پیش تو نخ‌هایم پنبه شده اما با این وجود به رویم نمی‌آوری و عذرهایم را می‌پذیری (روش مغفرت). من از توبه کردن خویش خسته شده‌ام، اما تو هنوز درب توبه را باز می‌کنی و با روی خوش

می‌گویی باز آی که باهم آشتی کنیم چرا که تو می‌گویی فقط من تو را درک می‌کنم که چه حالی داری. وقتی گناه می‌کنی و شرم‌منده می‌شوی و هیچ‌کس به تو نگاه نمی‌کند چون خطا کرده‌ای (روش تواب). آه که چقدر دلسوزی، از خودم بیشتر برایم دل می‌سوزانی. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم که خودم هستی که این‌گونه می‌سوزی. باور کن که من و تو دو چیز هستیم من بنده‌ام و تو خدایی، این قدر برایم دل نسوزان، اما باشد به تو حق می‌دهم تو مادر مادر هستی در دلسوزی، تو خود دلسوزی هستی (روش شفیق).

ای سید و سرور من! درست است که سختی‌ها برای من ضعیف، سخت است اما تو چرا خودت را به آب و آتش می‌زنی که به هر شکلی مشکلم را حل کنی. تو به من دست داده‌ای، پا داده‌ایی، قدرت داده‌ای تا مشکلاتم را حل کنم (روش رأفت) اما برای استغاثه‌هایم بگویم که چاره‌ای نیست که نجاتم دهی، چرا که جز تو کسی نمی‌تواند مرا در دل دریای مشکلات نجات دهد و اگر هم کسی مرا نجات دهد دوباره خودت باید بیایی کار را تمام کنی (روش استغاثه).

ای آقای من! من که باشم که تو همیشه احترام مرا داری و مرا تکریم می‌کنی؟ من از خجالت آب می‌شوم وقتی تو رعایت حال من می‌کنی و بی‌احترامی‌هایم را به رویم نمی‌آوری (روش تکریم). من حرمت تو را شکستم و عظمتت را در هم ریختم. تو باز هم به من احترام می‌گذاری و درخواست‌هایم را رد نمی‌کنی و جوابم را می‌دهی (روش مجیب).

این همه فضل و احسان، مرا نسبت به تو جری کرده است و من هر روز پای خود را از گلیم خویش فراتر می‌گذارم. بهتر نیست که کمتر به من احسان کنی؟ شاید حالم بهتر شود یا نه اشتباه می‌کنم اگر فضل و احسان نکنی من نسبت به تو کافر می‌شوم چون ضعیف هستم (روش امتنان).

ای مولای من! چقدر زیبا توانایی‌ها و استعداد‌هایم را به یادم آوردی تا در

مقابل دیگران احساس حقارت و کوچکی نکنم و بر دارایی و داشته‌های خودم امیدوار باشم و قدرت جسمی و روحی خود را بشناسم و بدانم با همین دارایی به همه چیز میرسم (روش عزت).

چقدر زیبا گفتمی که به همگان ببخش و از آن‌ها چیزی نخواه تا ظرفم بزرگ شود و انسان بزرگ و شریفی گردم (روش اغنا و شرافت).

آری چقدر باشوق گفتمی که فقط از خودم بخواه تا با من انس بگیری و هم صحبت من گردی و موسای کلیمم شوی (روش انس).

چقدر خوبی‌های مرا بر سر زبان‌ها انداختی که خودم خبر نداشتم (روش تمجید).

و در چه محافلی شخصیت مرا بزرگ کردی که قدرش را نشناختم و به آن جایگاه‌ها نرسیدم (روش تعظیم).

و چقدر زیبایی‌های افکار و گفتار و رفتار مرا ظاهر کردی که همگان به سمت من رغبت پیدا کنند و به من توجه کنند و من در بین آنان احساس شرمندگی نکنم (روش تحسین).

چقدر دیگران را وادار نمودی که صفات برجسته‌ی مرا به نیکی یاد کنند تا از لحاظ شخصیتی دست خالی نباشم و احساس پوچی نکنم (روش تحمید).

چقدر از من در جشن‌ها تجلیل به عمل آوردی که مرا نشویق کنی و من هم احساس بودن کنم و خودم را هیچ و پوچ ندانم (روش تجلیل).

ای سید و سرور من! کجا دیده‌ای که نعمت‌دهنده از نعمت‌گیرنده تشکر کند قانون عالم را به هم ریخته‌ای. بهتر نیست به قانون ما انسان‌ها برگردی و مثل ما عمل کنی، درست است که تو خدایی اما قانون، قانون است و برای همه یکسان است (روش تشکر).

ای آقای من! بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم که کاری جز شنیدن حرف‌های

بندگانند نداری چرا که بندگان مادام با تو حرف می‌زنند و تو هم جواب آنها را می‌دهی (روش سمیع) و از همه عجیب‌ترین است که از قصد و نیت همه آنها خبر داری (روش بصیرت) و حق هر صاحب حقی را با ترازوی عدل می‌سنجی (روش عدل) و به جزئیات امور آنها توجه داری (روش لطافت).

ای مولای من! من خاطر جمع است که در دایره حکومت تو هر گناهی که مرتکب شوم در امنیت هستم و خشم تو مرا نمی‌گیرد گویا همه جا کعبه توست که هر کس به آن پناه آورد در امان است (روش امنیت) به نظر می‌رسد من روی پیشانیم مهر جهل و غفلت و فراموشی خورده است و به من مهلت داده‌ای و فعلاً با من همراهی می‌کنی و اگر از روی خطا زمین بخورم با من همدردی می‌کنی و هم‌بانم می‌شوی (روش رفاقت).

ای سید و سرور من! چقدر برای من مراقب و محافظ گذاشته‌ای که هر لحظه افکار و گفتار و رفتار مرا کنترل کنند تا مبادا من اشتباه کنم و جان و آبرویم در خطر بیفتد و دیگر کار از کار گذشته شود و نشود کاری کرد (روش مراقبت و محافظت). تو اگر نبودی من هر لحظه نابود می‌شدم و هستی خود را بر باد می‌دادم و آبرویم برای همیشه می‌رفت تو پشتیبان من بودی که تحقیر و خوار نگردم و الا عده زیادی کمر همت بسته بودند تا زمین خوردنم را ببینند (روش ظهیر و حمایت).

ای آقای من! تا یقین نکردی مرا قضاوت نکردی و حکم ندادی و به حدس و گمان و شک اعتنا نکردی (روش علمی). و تا آزمایش و امتحان نکردی به من نمره ندادی با این که همه چیز را می‌دانستی و از آزمایش کردنم خسته نشدی تا فرصت برگشت داشته باشم و حجت بر من تمام شود که بهتر از این نمی‌شدم (روش اختبار).

ای مولای من! هر زمان در هر زمینه‌ای افراط و تفریط کردم مرا با سرانگشت

تدبیر خود به صراط مستقیم هدایت کردی (روش هدایت) و همواره به رشد و پیشرفت من عنایت داشتی و مرا در دوراهی‌ها راهنمایی کردی تا از رشد و تکامل عقب نمانم و به آن چه لایق آن هستم برسیم (روش ارشاد) و مقام مرا روزبه روز بالا بردی تا احساس سرافکنندگی در بین بندگان نکنم و سرم را بالا نگه دارم (روش رفعت). ای سید و سرور من چقدر به من اعتماد داری که امانات و نعمت‌های را در اختیار من قرار می‌دهی تا به اختیار خود آن‌ها را به کار گیرم و هر طور صلاح می‌دانم به مصرف رسانم و فقط رعایت عدل و انصاف نمایم و پاسخگو باشم (روش اعتماد). چقدر صبر کردی تا من پا بگیرم و عالم و عاقل و بصیر و حکیم گردم و در میدان امتحان و ابتلاء زمین نخورم و ابلیس صفتان مرا چون جدم حضرت آدم علیه السلام فریبم ندهند و مرا به مشقت بلا گرفتار نگردانند، چقدر تو هوای مرا داشتی و صبر کردی (روش صبر). چقدر نسبت به من متعهد هستی که هر چه وعده داده‌ای به آن عمل کردی در حالی که کسی نبود که تو را مواخذه کند و من در مقابل چقدر قول دادم و عمل نکردم در حالی که همگان مرا نسبت به بدقولی به تو سرزنش کردند (روش وفای به عهد).

ای آقای من! اگر ذره‌ای به جباریت و قهاریت تو فکر می‌کردم هرگز به خود اجازه نمی‌دادم که به کریم و رحیم بودن تو فریفته شوم و هر کاری که دلم می‌خواهد بکنم و هوی و هوسم خدایم شود (روش جباریت و قهاریت). آری قدرت تو را ندیدم یا دیدم و اعتنا نکردم در هر حال باید اعتراف کنم که تو قدرت داری که مرا به زور به بندگی بکشانی اما نکردی و اقرار کنم که تو بر همه چیز غالب هستی و می‌توانی هرگونه که بخواهی مرا تنبیه کنی ولی نکردی (روش اقتدار) و صادقانه بگویم که تو به همه چیز احاطه علمی داری و از همه چیز باخبر هستی اما من غافل محض هستم و در زیر چتر حمایت تو گناه می‌کنم و عظمت تو را در هم می‌شکنم (روش احاطه علمی).

ای مولای من! محبت تو منو جسور کرد و مودت تو مرا جری کرد و نصرت تو مرا از خود غافل کرد و بیقراری تو مرا بی توجه کرد در حالی که باید محبت تو مرا به سمت جمال و کمال و جلال تو می کشاند و مودت تو باید مرا به انس و خلوت با تو می کشاند و نصرت تو باید مرا به پیروزی و فلاح و رستگاری می کشاند و بیقراری تو باید مرا به احتیاط و تقوا و ورع می کشاند تا مبادا در حریم تو کاری کنم که عظمت و ابهت تو شکسته شود (روش محبت، روش مودت، روش نصرت، روش حنانیت).

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سال‌ها فکر من این است و شب‌ها سخنم که اگر قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت است پس مبانی و اصول و روش‌های تربیت او کجاست؟ و اگر نبی مکرم اسلام ﷺ الگوی حسنه برای تربیت است پس سیره و منش این الگوی تربیتی چیست؟ و اگر اهل بیت ﷺ مصداق اتم و کامل انسانیت هستند پس مختصات و مشخصات این نقشه تربیتی انسانیت چیست؟

چگونه می‌شود که در خانه امیرالمؤمنین ﷺ و فاطمه ﷺ دو معصوم آن‌هم از نوع عصمت کبری، خلیفه‌الله و مظهر اسماء و صفات الهی همچون حسن و حسین ﷺ و دو تا معصومه آن‌هم از نوع عصمت صغری همچون زینب و ام‌کلثوم تربیت شوند اما ما در تربیت فرزندان معمولی و متعارف و با شخصیت خویش هم مانده‌ایم. تعجب نکنید باید همین‌طور هم باشد، چرا که فرزندان در خانه علی و زهرا چیزی جز زیبایی نمی‌بینند «**مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا**» چیزی جز زیبایی ندیدم» و در این محفل انس، چیزی جز کار نیک و احسن انجام نمی‌دهند. «**لِيَبْلُوكُمْ**» **أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا!** ما شما را آزمایش نکردیم جز این‌که ببینیم کدام یک از شما کار خوب و زیبا انجام می‌دهد» و در پایان هم فرزندان این چنین خانه‌ای عاقبت

و جایگاهی جز حسن المأب و دارالقرار نخواهند داشت.

آری قرآن عظیم آخرین معجزه است آن هم معجزه کلامی! و اعجاز کلامی قرآن این است که حرف آخر را اول زده است یعنی چیزی که قرار است انسان در طی هزاران سال از طریق علم و تجربه به عنوان نظریه علمی در تربیت به دست آورد خداوند آن را به شکل آیه‌های وحی در صحف ابراهیم و زبور داوود و تورات و انجیل و قرآن کریم آورده است، چرا که قرآن عظیم هزار و چهارصد سال پیش فرموده است: بگو: اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگارم مرگب شود، دریا پایان می‌گیرد پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن دریا را کمک آن قرار دهیم.

بنابراین خداوند هرگز راضی به این خسران عظیم نمی‌شود که بشریت منتظر فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی ناقص تربیتی در طی قرن‌ها شوند بلکه همان روز اول خود را به عنوان مربی عالمیان «الْحَنَّاءُ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ» معرفی نمود و اولین صفت خود را بعد از الله رب می‌نامد و به دنبال آن، نسخه‌های تربیتی خود را از طریق کتب تربیت و هدایت مثل صحف و زبور و تورات و انجیل و قرآن عظیم به گوش همه جهانیان رسانده است و مشکلات هدایت و تربیت را از مشرب عظیم الهی و وحی هم پیشگیری و هم درمان نموده است و پیامبران را به عنوان الگوی تربیتی حسنه معرفی نموده است و نمونه‌های تربیتی خود را همچون اهل بیت علیهم‌السلام را به تمام بشریت عرضه نموده است تا حجت را بر همگان در زمینه تربیت تمام کرده باشد. آری قرآن عظیم به عنوان معجزه کلام، تربیت را از کلام و الگوی‌های کلامی شروع نموده است و به الگوی رفتاری و عملی مثال زده است و از ما والدین خواسته به عنوان الگوهای کلامی و رفتاری، کلام زیبا و سپس زیبا سخن بگویند و در مرحله بعد، رفتار زیبا و سپس برخورد زیبا انجام دهند تا فرزندان ما زیبایی‌ها

را ببینند و شاهد کار نیک و شایسته ما باشند و به دنبال آن، آنان از ما تقلید کنند و زیباتر از آن را انجام دهند و آرام آرام این رفتارهای خوب عادت آن‌ها گردد و به صورت ملکه فضایل انسانی درآید.

اما این حقیر سالیان زیادی به اتفاق همسر گرامی خود با تحقیقات فراوان و شبانه روزی و عنایت حضرت حق و توجهات امام زمان علیه السلام توانستیم مبانی و اصول و روش‌های تربیتی مانند رحمن، رحیم، ستار، کریم، ودود، سمیع و... را از لابلای قرآن عظیم و روایات محکم و مستند استخراج کنیم، مانند این روایت از امام سجاد علیه السلام که در رساله حقوق که می‌فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فِرْحَمَّتُهُ وَتَثْقِيفُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسَّتْرُ عَلَيْهِ
وَالرِّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ وَالسَّتْرُ عَلَى جَزَائِرِ حَدَائِثِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَ
الْمُدَارَاةُ لَهُ وَتَرْكُ مَمَّا حَكَمَ بِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ»

«اما حق کوچک‌تر بر بزرگ‌تر آن است که نسبت به او مهربان بوده در تربیت و تعلیم او بکوشد؛ خطاهايش را نادیده گرفته عیبش را بر او پيوشاند؛ با او به مدارا رفتار نموده و در مشکلات کمکش نماید و اعمال و حرکات نابخردانه‌ای را که در دوران نوجوانی از او سر می‌زند می‌پوشاند؛ زیرا که سبب توبه او خواهد شد و با او نزاع و مخاصمه نکند که مانع رشد او می‌شود.»

و همچنین روش‌های تربیتی را از مضامین دعاهاى معروف و مشهور شیعه بیرون آوریم. مانند:

«يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ»

«ای کسی که زیبایی‌ها را ظاهر می‌کنی و عیب‌ها را می‌پوشانی.»

«يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ»

«ای آن‌که عمل اندک و ناچیز بندگان را می‌پذیری و از گناهکاران

بسیار در می‌گذری.»

و به عنوان مبانی و اصول و روش‌های تربیتی برتر اسلام به همه جهانیان معرفی نماییم چرا که ما معتقدیم که اسلام عزیز برای خودش مبانی و اصول و روش‌های تربیتی ویژه دارد که خداوند به عنوان رب العالمین و مربی بشریت آن‌ها را در تربیت بندگان به کار برده است و پیامبر ﷺ و اهل بیت  نیز این مبانی و اصول و روش‌های تربیتی را در زندگی فردی و اجتماعی خود بکار برده‌اند و دعاهای ما نیز مملو از این اصول و روش‌های تربیتی است که خداوند در قرآن کریم و اهل بیت  در روایات آورده‌اند.

یادآور می‌شوم که در کتاب‌های موجود در تربیت اگرچه از مبانی تربیت سخن به میان آورده‌اند اما کتابی تاکنون این‌گونه که ما در این نوشتار مبانی تربیت را باز نموده‌ایم سخن به میان نیاورده است و در زمینه اصول تربیت در کتب تربیتی موجود هرچند از بعضی اصول تربیت نامی برده شده است اما به صورت منطقی و منظم که دارای منظومه تربیتی باشد سخن به میان نیامده است بلکه از اصول شکلی و ساختاری تربیت و از اصول غیر مرتبط با روش‌های تربیتی نام برده‌اند که راهگشای برخورد تربیتی در همه ابعاد تربیتی نمی‌باشد و در زمینه روش‌های تربیت در بعضی از کتاب‌های تربیتی به صورت گذرا صحبت شده است اما این‌که این روش‌ها را از کجا استخراج نموده‌اند برایش دلیل ارائه نکرده‌اند و فقط به صورت جزئی و ناقص نمونه‌هایی از روش‌های تربیتی مثل روش تکریم روش محبت را در کتب خود آورده‌اند و لازم به ذکر است که این حقیر با توجه به تحقیقات گسترده در زمینه روان‌شناسی و علوم تربیتی از نظریه‌های علمی داخلی و خارجی که در زمینه مبانی و اصول و روش‌های تربیت وجود داشته تا جایی که در دسترس بوده است

استفاده نموده‌ام و در این نوشتار آورده‌ام تا از تجربه بشری نیز بی‌بهره نباشیم. در پایان از زحمات بی‌دریغ و بی‌پایان اساتیدم فاضل ارجمند سید محمد میراحمدی و محقق توانمند دکتر مجید حیدری فر که حامی علمی این حقیر بودند و تلاش‌های شبانه‌روزی و خالصانه همسرم که در تمام این مدت پا به پای من به تحقیقات مشغول بوده و اقدام به گردآوری و نوشتن آن‌ها در این مدت نموده است و همچنین کوهی پشتیبان و حامی من بود کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند متعال خواهانم که ثواب تک‌تک حروف و کلمات این کتاب گران‌سنگ را به آنان اعطا نماید و به عنوان ذخیره بی‌پایان الهی و باقیات‌الصالحات در دفتر اعمالمان ثبت و مشمول شفاعت اهل بیت در فردای قیامت گردد.

علی‌الهامی صدر - زهرا‌الهامی صدر

بیست و هفتم رجب ۱۴۴۴ - ۱۴۰۱/۱۱/۲۹